

بررسی جرم شناختی علل سرقت‌های توأم با خشونت

تاریخ دریافت: 1396/07/17

تاریخ پذیرش: 1397/04/18

صابر امینی خانه برق،¹ مسعود مرشدی،² اله‌قلی اسماعیلی پور³

از صفحه 105 تا 130

چکیده

زمینه و هدف: جرم از دیدگاه‌های مختلف تعاریف و اصطلاحات خاص خود را دارد در قوانین ملی یا فراملی در هر کشوری با توجه به مقتضیات و شرایط زمانی، مکانی و سیاسی هر کشور تعریف می‌شود طبق قوانین و مقررات کشورمان، جرم در ماده 2 ق. م. ا. هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده تعریف نموده‌اند. جرم سرقت، به سرقت ساده و سرقت توأم با خشونت تقسیم می‌شود که در بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب 1375 به آن پرداخته شده است از نظر جرم‌شناختی در ارتکاب سرقت‌های توأم با خشونت علل درونی و بیرونی مؤثر بوده است هدف در پژوهش حاضر، شناخت جرم‌شناختی علل سرقت‌های خشونت‌آمیز که بر علیه مال انسان‌ها می‌باشد است.

روش‌شناسی: این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نوع توصیفی- تحلیلی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، تحقیقات میدانی و مصاحبه از تعداد 85 نفر از مجرمین زندان رجایی شهر تهران جمع‌آوری و استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد عوامل مختلفی (درونی و بیرونی) در ارتکاب سرقت‌های توأم با خشونت دخیل بوده عوامل درونی مانند خشونت، کینه‌توزی، پرخاشگری کمترین و عوامل بیرونی مانند فقر اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی بیشترین تأثیر را داشته است.

نتایج: بین مقاومت قربانی یا مالباخته و وضعیت جسمی او نیز با عوامل درونی، و عامل اقتصادی (وضعیت محل زندگی، وضعیت منزل مسکونی و مالی) از عوامل بیرونی ارتباط معناداری با سرقت‌های توأم با خشونت داشته است.

واژه‌های کلیدی: حقوق، جرم‌شناسی، سرقت، خشونت، علل اقتصادی.

1- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی (نویسنده مسئول) saberr2014@gmail.com

2- مربی دانشگاه علوم انتظامی امین

3- مربی دانشگاه علوم انتظامی امین

مقدمه

یکی از قدیمی‌ترین جرایم علیه اموال که شاید بعد از سال‌های اولیه پیدایش مفهوم مالکیت در جوامع بشری ارتکاب می‌یافته و معمولاً مجازات‌های سختی هم برای مرتکبین آن در ادیان و قبایل و جوامع مختلف پیش‌بینی می‌شده است جرم سرقت می‌باشد این جرم به دلیل سهل‌تر بودن ارتکاب (در مقایسه با جرایمی مثل کلاهبرداری)، محسوس بودن منفعت حاصله از آن در مقایسه با جرایم علیه اشخاص، بخش اعظم جرایم ارتكابی در کشورهای مختلف را تشکیل می‌دهد و همین کثرت وقوع توجه خاص حقوقدانان را به آن ایجاب می‌کند (میرمحمد صادقی، 1392: 159)

امروزه در اکثر کشورهای جهان، جرم سرقت به دلیل تنوع و گوناگونی آن، به انواع مختلفی که هر یک شرایط خاص و مجازات مخصوص به خود را دارد تفکیک شده است که در این میان می‌توان از سرقت ساده، سرقت مقرون به آزار یا تهدید، سرقت در شب، سرقت از بانک‌ها و صرافی‌ها، جواهرفروشی‌ها و مکان‌های مشابه، سرقت از مغازه، سوپرمارکت‌ها، سرقت از منازل مسکونی، سرقت عتیقه‌جات از موزه‌ها و اماکن مشابه سرقت توأم با هتک حرز و نظایر آن را نام برد.

شایان ذکر است سوالاتی که در ذهن محقق وجود دارد از این قبیل است که چه عواملی اعم از درونی و برونی با تأثیرگذاری بر فرد، منجر به گرایش به ارتکاب سرقت خشونت‌آمیز می‌شود و کدام یک بیشترین تأثیر را در این گونه جرایم دارد؟ فرض بر این است عوامل متعددی اعم از درونی و بیرونی در گرایش فرد به سمت سرقت خشونت‌آمیز مؤثر بوده و عوامل اقتصادی در ارتکاب سرقت‌های خشونت‌آمیز بیشترین نقش را ایفا می‌کند. سرقت‌های خشونت‌آمیز نیز با توجه به عوامل مختلفی در جامعه روز به روز در حال افزایش است که مطمئناً اگر توجه و پیشگیری در این امر نشود خسارات زیانباری را به بار خواهد آورد.

بیان مسأله

سرقت یکی از جرائم مهم و پرتعدد اکثر جوامع است و عملی است که تقریباً در کلیه جوامع دیده می‌شود این جرم در گذشته‌های دور نیز وجود داشته و با اشکال مختلف انجام می‌گردیده است. این جرم بعد از قتل، از جمله با سابقه‌ترین جرائمی است که دستخوش تحولات و تغییرات زیادی بوده است و شکل انجام آن در زمان‌های متفاوت و در جوامع مختلف تغییر نموده ولی چیزی که از بدو پیدایش تاکنون ثابت بوده، زشتی و مذموم بودن ماهیت آن است که همواره وجود داشته و با مرتکب آن مقابله و برخورد گردیده است. گذشت زمان بر این پدیده نظیر تمام امور اثر گذاشته و تحولاتی در آن به وجود آورده است. شکل انجام، شیوه‌ها، وسایل و ابزارهای مورد استفاده، نوع مال مسروقه و ... همچنین وضعیت سارقین از جهات گوناگون تغییر نموده است. امروزه اغلب سرقت‌ها برنامه‌ریزی دقیق و بهره‌مندی از امکانات فنی پیشرفته انجام می‌شود و سارقین از آخرین تکنولوژی موجود در جهت کار خود سود می‌برند. به همین علت مقابله و برخورد با سرقت و سارقین نیز متناسب با اقدامات سارقین متحول گردیده و به صورتی علمی و حساب شده درآمده است یادآوری می‌شود موارد و مسائل مختلفی که موجب گرایش به سرقت می‌گردد در عصر کنونی بسیار پیچیده‌تر از گذشته است به همین علت مقابله با آن دشوارتر از قبل می‌نمایند و در این راه مشکلات فراوانی وجود دارد.

یکی از اقسام سرقت‌های مشدده و توأم با خشونت، سرقت مقرون به آزار است که سارق با رفتار خشونت‌آمیز مبادرت به ربایش اموال دیگران می‌نماید و طی آن نه تنها حقوق مالکیت را مورد تجاوز قرار می‌دهد بلکه تمامیت جسمانی افراد را نیز مورد تعرض قرار می‌دهد و این امر موجب گردیده تا قانونگذار با تصویب مقررات و پیش‌بینی مجازات‌های سنگین به حمایت از آحاد جامعه بر خیزد که چنان‌که سارقی در حین سرقت، افرادی را مضروب یا مجروح کند با مجازات‌های سنگین‌تر از سارقان سرقت‌های ساده کیفر ببیند.

پس مسأله اصلی این است که، با توجه با اینکه در حال حاضر در کشور ایران ارتکاب جرایم از جمله سرقت‌های توأم با خشونت روز به روز در حال افزایش است و این امر به نوبه خود می‌تواند مشکلات متنوعی به بار داشته باشد چه علل و عواملی (اعم از درونی

و بیرونی) با تأثیرگذاری بر فرد، موجبات خشونت را در فرد فراهم می‌کند و کدام یک بیشترین تأثیر را دارد. موجبات سرقت خشونت‌آمیز را فراهم نموده و با اعمال شدید غیرانسانی مثل خشونت مواجه می‌کند؟

مبانی نظری

سرقت: سرقت کلمه‌ای عربی از ماده (سرق) از مصدر ثلاثی مجرد (سرقه) به معنای برداشتن چیزی از کسی با حيله و فریب و یا از خفا و پنهانی و یا برداشتن مخفیانه چیزی است که حق برداشت آن را نداشته باشد گفته‌اند: «سارق به کسی گفته می‌شود که به طور پنهانی وارد حرز شود و چیزی که از آن خودش نیست. بر می‌دارد.» در فرهنگ فارسی نیز سرقت به معنای بردن مال کسی در پنهان و با مکر و فریب که صاحب مال خبردار نشود و نیز گرفتن مال کسی در بیابان و صحرا به زور و یا بردن مال و پول کسی به زور یا به مکر و فریب آمده است. و ربودن به معنای چیزی را با تردستی برداشتن و بردن، بلند کردن، به سرعت بردن، به زور و سرعت چیزی از شخصی بردن آمده است (فرهنگ فارسی معین، 1392).

در قانون مجازات اسلامی مصوب 1370 سرقت بدین گونه تعریف شده بود: ربودن مال دیگری به طور پنهانی که این تعریف دارای اشکالاتی بود از جمله پنهانی بودن چه بسا سرقت‌های توأم با خشونت از جمله کیف قاپی و ... آشکارا صورت می‌گرفت که در این صورت از تعریف سرقت خارج بود اما با تصویب ماده 267 از قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 سرقت عبارت است از ربودن مال متعلق به دیگری به همه مباحث پایان داده است یعنی هم شامل سرقت‌های ساده و خشونت‌آمیز و هم سرقت حدی و تعزیری می‌باشد.

خشونت: خشونت از ماده «خشن» به معنای تندی در برابر نرمی و نیز به معنای زیرکی در برابر همواری است صفت خشن گاهی برای توصیف اشخاص استفاده می‌شود و در این صورت به معنای شدید و نیرومند است. فرهنگ فارسی معین در مقابل واژه خشونت این چنین نوشته است: «درستی، زبری، همواری مقابل، نرمی، تندخویی، درشت خویی».

خشونت، انزجار و خلاف فطرت است و لذا برخی خشونت را خلاف نرم معنی کرده‌اند و معتقدند که خشونت دارای معنای فلسفی است و در مقابل کلمه طبیعت قرار دارد و لذا خشونت، امری است که ضد مجری و مسیر طبیعی باشد و در آن عنصری از غضب و خشم نهفته است (عظیم‌زاده، 1384: 13).

تعریف سرقت خشونت آمیز: هرچند که قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 تعریفی از سرقت خشونت‌آمیز نکرده است ولی می‌توان سرقت خشونت‌آمیز را این‌گونه تعریف کرد:

سرقت خشونت‌آمیز یعنی ربودن اموال دیگران توأم با آزار و اذیت و خشونت جسمی (فیزیکی) و روحی (روانی) از قبیل ایراد ضرب و جرح و تهدید و

منظور از آزار در سرقت خشونت‌آمیز، هر نوع آسیب یا صدمه‌ای است که توسط یکی از سارقین در جریان سرقت نسبت به شخص یا اشخاص که در صحنه جرم حضور دارند اعمال شود مانند بستن دست یا پای صاحب‌خانه یا ایراد ضرب نسبت به افراد ناظر بر وقوع سرقت و اگر یکی از سارقین در حین سرقت دیگران را آزار داده باشد بقیه سارقین هم مشمول حکم ماده خواهند بود. در اینجا آزار هم آزار جسمی یا فیزیکی و روحی یا روانی مانند ضرب و جرح را شامل می‌شود. تهدید و یا ترساندن عبارت است از هر نوع اعمال زور از طرف یکی از سارقین در جهت ارعاب مال باختگان تهدید اطلاق می‌گردد و این نوع ایراد باید در حین ارتکاب سرقت و با خشونت توأم باشد.

انواع سرقت خشونت آمیز در قوانین کیفری ایران: ضرورت پیش‌بینی ضمانت اجرایی از جمله ضمانت‌های اجرایی کیفری متعدد برای سرقت‌های خشونت‌آمیز در قوانین به انواع و اقسام به منظور جلوگیری از تجاوز احتمالی افراد نسبت به اموال دیگران و عوارض ناشی از آن امری بدیهی است، شارع مقدس اسلام در قرآن و سنت برای جرایم مختلف، تحت عنوان حد، تعزیر و قصاص با توجه به نوع جرائم ارتكابی خشونت‌آمیز، مجازات‌های پیش‌بینی کرده است از جمله در سرقت، نص صریح قرآنی بر وجوب مجازات سارق دلالت دارد. هدف اصلی از پیش‌بینی جرایم علیه اموال، ظاهراً حمایت از مالکیت خصوصی است. وجه مشترک همه جرایم علیه اموال حمایت از مال غیر است. لذا شرط «تعلق مال به غیر» جزء مشترک رکن مادی همه جرایم علیه اموال

است (امینی‌خانه برق، 1388: 17)

سرقت‌های خشونت‌آمیز در قوانین کیفری فعلی ایران در مواد 651، 652، 653، 654، 657 و 185 ق.م.ا. مصوب 1375 بخش تعزیرات ذکر شده است که عبارتند از:

همراه داشتن اسلحه و سرقت توسط سارق مسلح: بر اساس بند 3 ماده 651 ق.م.ا. (همراه داشتن اسلحه) یک یا چند نفر از سارقین باید حامل سلاح ظاهر یا مخفی بوده باشند برای تحقق این شرط لازم نیست سرقت با به کار بردن سلاح (سرقت مسلحانه) صورت پذیرد زیرا سرقت مسلحانه مورد نظر نیست ملاک در صدق سلاح، عرف است و از نظر عرفی نیز سلاح اعم از سلاح گرم و سرد است، پر یا خالی بودن آن ملاک نیست. ولی چاقو سلاح محسوب نمی‌شود. چنانچه اسلحه تقلبی و اسباب بازی هم مشمول تعریف عرفی سلاح نیستند، اگرچه به صورت آشکار مورد استفاده گیرد و به وسیله آن مالباخته را بترسانند و از سلاح بدون قید، ظهور و انصراف در اسلحه واقعی دارد و اگر سلاح تقلبی مورد نظر باشد می‌بایست توسط مقنن تصریح شود. هرچند تحقق تهدید که در بند 5 آمده است با سلاح تقلبی نیز ممکن است، زیرا در این بند تهدید موضوعیت دارد اما حمل آن موجب تحقق این شرط (حمل سلاح) نیست.

شعبه پنجم دیوان عالی در رای شماره 1316/12/21-2731 چنین اظهار نظر کرده است: ماده 225 قانون کیفر عمومی صراحت دارد که یکی از سارقین دارای سلاح ظاهر یا مخفی باشد و این قید اعم از آن است که حمل سلاح برای سرقت باشد یا منظور دیگر».

در این ماده، سلاح شامل اسلحه سرد مثل چاقوی ضامن‌دار یا گرم مثل تپانچه و نیز سلاح پر یا خالی می‌شود. لیکن اسلحه تقلبی مثل اسباب بازی کودکان را در نمی‌گیرد، حتی اگر سارق به وسیله آن صاحب مال را بترساند. چرا که کلمه «سلاح» به تنهایی اشاره به سلاح واقعی دارد و نه سلاح تقلبی.

به طور کلی حمل سلاح و استفاده از آن هنگام ارتکاب جرم از موجبات تشدید مجازات است طبیعی است که وجود اسلحه نزد سارق باید از علل مشدد مجازات محسوب شود. آخرین کیفیت مشددی که در ماده 654 ق.م.ا. اشاره شده این است که دست کم یک نفر از سارقین حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشد. قانونگذار ایرانی صریحاً از اسلحه و موارد آن تعریفی ارائه نکرده است. تنها در آیین‌نامه اجرایی موضوع تبصره یک

قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب بهمن ماه 1353 به انواع اسلحه سرد جنگی و شکاری اشاره شده بود.

قانونگذار در بند 4 شرایطی را بیان کرده است که تحقق یکی از آنها همراه با سایر شرایط مندرج در بندهای دیگر ماده 651 ق.م.ا برای تحقق این جرم الزامی است. تشدید مجازات در این شرایط بخاطر آن است که سارق مواعی را که صاحب مال برای حمایت و حفاظت از مال ایجاد کرده است، برطرف می‌کند و بعد مال را می‌رباید. بالا رفتن از دیوار یا پریدن از آن، هتک حرز بکار بردن کلید ساختگی و امثال آن، یکی از این موارد مکان سرقت است. سرقت از محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا توابع آن از علل مشدده، مجازات است (حبیب‌زاده، 1395: 118).

به لحاظ عرفی هتک حرز اعم از هتک حرز مادی و معنوی است. لذا برای تحقق این جرم هرگاه مرتکب بدون هیچ تخریبی و با استفاده از شاه کلید یا کشف رمز تشخیص هتک حرز نماید محقق می‌یابد حرز هر کالایی با عرف است، هتک حرز نیز امری عرفی است مقصود از کلید ساختگی اعم از آن است که کلیدی شبیه کلید اصلی تهیه کند یا کلید خود را که در محل دیگری قابل استفاده است به کار برد و یا کلید اصلی را ابتدا از صاحب کلید بریاید و سپس آن را استفاده کند. تمام اینها مشمول عنوان کلید ساختگی می‌شود. البته اقسام مذکور فی نفسه جرم بوده و بر اساس ماده 664 ق.م.ا قابل مجازات است. لذا در این حالت تعدد مادی محقق می‌گردد. همچنین بکار بردن عنوان یا لباس مستخدم دولت یا برخلاف واقع خود را مأمور دولت معرفی کردن از شرایط دیگری است که در بندها آمده است و هر کدام از آنها علاوه بر آن که شرط تحقق جرم مذکور است جرم مستقلی است که حکم آن در ماده 555 و 556 ق.م.ا آمده است. و از مصادیق تعدد مادی است. اگر مستخدم دولت نیز از عنوان و لباس خویش برای سرقت استفاده کند. به لحاظ اعتمادی که به آنها وجود دارد وقوع جرم در این فرض سهل‌تر است و لذا عمل آنها مشمول این ماده می‌تواند باشد (امینی خانه برق، 1388: 29)

با توجه به بند 5 ماده 651 ق.م.ا شرط جرم مذکور آن است که مرتکب در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کند منظور از تهدید و آزار، عبارت است از، هر اقدام ناروایی است که برای سرقت، در هنگام ارتکاب از طرف سارق اجرا می‌شود. مانند بستن دست و پا و چشم و امثال آنها و یا تهدید به ضرب و جرح و تهدید به انجام اقداماتی علیه ناموس و

عرض مالباخته. اقدامات مذکور باید در حین سرقت انجام شود و البته لازم نیست طرف خطاب مستقیم آن صاحب مال باشد بلکه ممکن است طرف خطاب اطرافیان او شخص ثالث باشد. اقداماتی که سارق بعد از انجام سرقت از او انتقام‌جویی یا غرض دیگر علیه افراد حاضر در صحنه به منظور آزار آنان انجام می‌دهد مشمول حکم مزبور نمی‌شود.

تهدید نیز کلمه‌ای عربی و مصدر از باب تفعیل است که در لغت به معانی ترسانیدن، بیم دادن و بیم عقوبت دادن به کار رفته است (فرهنگ معین). در اصطلاح نیز مقصود از تهدید عبارت از هر نوع اعمال زور قدرت برای ترسانیدن متصرف مال یا شخص و اشخاص دیگر حاضر در صحنه جرم در حین سرقت است. در مورد اعمال تهدیدآمیز باید خصوصیات طرف و اوضاع و احوال واقعه از هر جهت در نظر گرفته شود. بدیهی است صرف داشتن خوف از سارق بدون اینکه از طرف وی عملاً تهدیدی شده باشد سرقت مقرون به تهدید نخواهد شد.

به موجب ماده 652 ق.م.ا «هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد به حبس از 3 ماه تا 10 سال و شلاق تا 74 ضربه محکوم می‌شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می‌گردد».

واژه آزار عام است و شامل هرگونه اقدامی که موجب آزار مالباخته یا اطرافیان او شود می‌گردد و حتی تهدید مال باخته یا اطرافیان او نیز مصداق آزار می‌تواند باشد که این تهدید ممکن است علیه جان مال یا عرض و ناموس آنان باشد اگر آزار به حد جرح برسد، به صراحت ماده بالا، موجب تعدد مادی می‌شود و مرتکب بر حداکثر مجازات سرقت مقرون به آزار (10 سال حبس و 74 ضربه شلاق) به قصاص جرح نیز محکوم می‌شود.

در خصوص این که آیا قتل مصداق آزار یا تهدید است یا نه؟ آری متفاوت و متضادی از شعب دیوان عالی کشور صادر شده است به موجب رأی شماره 1319/9/28-3076 «وقتی اقدام به قتل به منظور دزدیدن مال مقتول باشد، چنین سرقتی از مصادیق مسلم ماده 223 ق.ک.ع (سرقت مقرون به تهدید و آزار) خواهد بود.» (قانون کیفری همگانی ص 135 بند 1).

به موجب رای شماره 17/11/29-2659 شعبه دوم دیوان عالی کشور «قتل حداکثر آزار محسوب است و اگر سارق در حین سرقت کسی را بکشد، مرتکب دوبره جداگانه،

قتل و سرقت مقرون به آزار شده است و عملش با ماده 223 و 170 ق.م.ع و ماده 2 الحاقی منطبق است» (گلدوزیان، 1395: 368)

سرقت با استفاده از زور و تهدید (ماده 652 ق.م.ا): برداشتن هر چیز متعلق به دیگری به زور یا تهدید که به صورت غیرمنتظره ناگهانی و گاهی اوقات همراه با ترسانیدن را سرقت به زور و تهدید می‌گویند. ویژگی مشترک در تمامی این نوع سرقت‌ها عبارت است از اینکه مجرم با فرد قربانی مواجه می‌شود. اگر زور یا تهدید در کار نباشد از شمول اینگونه سرقت‌ها خارج است.

زورگیرها هم در ردیف این نوع سرقت‌ها قرار دارند لخت کردن و چاپیدن مردم به وسیله سارقین در بعضی کشورها رایج است زورگیرها در نقاط خلوت قربانی خود را انتخاب و با تهدید محتویات جیب او را خالی می‌کنند. در این نوع سرقت، جبر و عنف وجود دارد و بعد از سوار کردن مسافر وی را به نقطه خلوت‌تر برده و وسایل او را به زور می‌ربایند.

جهات و کیفیات مشددی که در مواد 651 و 652 قانون مجازات اسلامی اشاره شد عبارت از این است که در ضمن سرقت آزار یا تهدیدی از طرف سارق نسبت به متصرف مال یا اشخاص دیگر به عمل آید و نیز در صورتی که در موقع سرقت مقرون به آزار یا تهدید عرفی نیز واقع شده باشد همین ایراد جرحاً باعث ایجاد خشونت و تشدید مجازات مقرر قانونی تا حداکثر آن می‌شود.

سرقت در شب و توسط دو نفر و بیشتر: به موجب ماده 654 ق.م.ا «هرگاه سرقت در شب واقع شده باشد و سارقین دو نفر یا بیشتر باشند و لااقل یک نفر از آنان حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشد، در صورتی که بر حامل اسلحه عنوان محارب صدق نکند جزای مرتکب با مرتکبیاں حبس از 5 تا 15 سال و شلاق تا 74 ضربه محکوم می‌شد.» این ماده جانشین ماده 225 ق.م.ع گردیده است و بر اساس آن برای تحقق این نوع سرقت باید به طور همزمان سه شرط: وقوع سرقت در شب، تعدد سارقان و محل سلاح توسط حداقل یک نفر از آنان، واقع شود و در صورتی که یکی از شرایط مذکور محقق نگردد، جرم مورد نظر واقع نشده است. رای وحدت رویه شماره 591 مورخ 1369/10/4 هیات عمومی دیوان عالی کشور است که مقرر می‌دارد: «ورود دسته جمعی و مسلح به

عنف در موقع شب به منازل مسکونی مردم و سرقت اموال با تهدید و ارعاب وحشت از جرایمی است که نظم جامعه و امنیت عمومی را مختل می‌سازد و رسیدگی به آن بر طبق بند یک ماده واحده قانون مصوب اردیبهشت 1362 در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی است.» بر این اساس و با توجه به بند 1 ماده 5 قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (مصوب 1373) رسیدگی به جرم که از جرایم علیه امنیت داخلی است در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی است که ورود دسته جمعی به محل سرقت در شب و با سلاح موجب تهدید و ارعاب و وحشت و با خشونت توأم بوده که سرقت خشونت‌آمیز تلقی می‌شود (میر محمدصادقی، 1392: 356).

کیف‌زنی و جیب‌بری (ماده 657 ق.م.ا): به موجب ماده 657 ق.م.ا «هرکس مرتکب ربودن مال دیگری از طریق کیف‌زنی، جیب‌بری و امثال آن شود، به حبس از یک تا پنج سال و تا 74 ضربه شلاق محکوم خواهد شد». در این نوع سرقت، مرتکب یا رباینده با استفاده از غفلت مالباخته، مال او را از دست یا جیب او می‌رباید. یا محتویات آن را خالی می‌کند. مثلاً کیف دستی فردی را که از بانک بیرون آمده در یک لحظه از دست او می‌قاپد، یا بدون این که طرف آگاه شود با تردستی پول جیب او را بر می‌دارد و فرار می‌کند. با توجه به اینکه از نظر فقهی، سرقت عبارتست از ربودن پنهانی مال غیر است و اگر مخفیانه نباشد تحت عناوین دیگری غیر از سرقت مثلاً، طراری، استلاب، ... قرار می‌گیرد در این ماده و برخی مواد دیگر قانونگذار با تبعیت از نظر فقهی، اقدام مرتکب را ربودن نامیده است نه سرقت، لیکن با توجه به آنچه در مبحث راجع به تعریف سرقت گفتیم در تعریف و بیان احکام سرقت در قانون، به طور مطلق از روش فقهی تبعیت نشده و چون سرقت تعزیری هم حکم قرار گرفته است، این مصادیق را هم می‌توان مصادیق سرقت تعزیری دانست. لذا کیف‌زنی عبارت است از ربودن و خارج کردن کیف دیگری از ید او با استفاده از غفلت صاحب مال، جیب‌بری نیز عبارت است از ربودن اموال از جیب یا محتوی لباس دیگری با استفاده از غفلت او بدیهی است منظور از لباس، لباسی است که اشخاص به تن دارند و الا اگر لباس در محلی آویزان باشد و کسی از جیب آن چیزی را برآید سرقت معمولی است. اصولاً کیف‌زنی و جیب‌بری در محل اماکن عمومی و پر ازدحام صورت می‌گیرد که مردم در فشار هستند و قادر نیستند تماس‌های افراد با بدن خود را تشخیص بدهند. از نظر فقهی اگر جیب‌بر، محتویات

جیب داخل لباس را بدزدد با جمع سایر شرایط، اقدام او سرقت مستوجب حد خواهد بود والا بر اساس این ماده تعزیر می‌شود. بین سرقت و گرفتن و ربودن مال به عنف چه از نظر لغوی و چه عرفی تفاوت است در سرقت، پنهان کاری و هتک حرز شرط است و مال این که در ربودن و اخذ مال مردم به زور، هیچکدام شرط نیست و از نظر تبعات کیفری هم با یکدیگر فرق وجود و فرق بین ماده 657 و 665 ق.م.ا به این جهت است که ربودن مال غیر از طریق جیب‌بری و کیف‌زنی، بردن مال در جیب با کیف که یک نوع حرز به حساب می‌آید در امثال این دو که در نوعی از حرز است عمل شبیه سرقت است ولیکن ماده 665 ق.م.ا صرف ربودن بدون این که مال در حرز باشد، بوده و این موضوع مدنظر قانونگذار بوده است. و از نظر مجازات بین ماده 657 و 665 ق.م.ا فرق قایل گردیده است.

راهزنی یا قطاع الطريق: (مادتین 281 و 653 ق.م.ا.): یکی از وخیم‌ترین نوع سرقت مسلحانه، راهزنی مسلحانه است که عمدتاً با سلاح گرم صورت می‌پذیرد. این عملیات گاهی در پوشش مأمورین دولتی و یا تحت عنوان بازرسی و کنترل خودرو و محموله انجام می‌شود. راهزنان راننده را به شدت مصدوم می‌کنند و خودروی حامل محموله را به سرقت می‌برند و پس از مدتی خودرو را رها کرده و محموله با ارزش را به قیمت نازل به فروش می‌رسانند.

با توجه به ماده 281 ق.م.ا 1392 راهزنان سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راهها شوند محاربند. از طرفی با عنایت به ماده 653 ق.م.ا 1375 جرم راهزنی را این‌گونه بیان کرده است هرکس در راهها و شوارع به نحوی از انحا مرتکب راهزنی شود در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد به سه تا پانزده سال حبس محکوم می‌شود می‌توان عنصر مادی جرم قطع الطريق و راهزنی را به این صورت تبیین کرد: ارتکاب اعمال و رفتار فیزیکی مادی (یعنی فعل مثبت خارجی) از طریق بکار بردن سلاح ولو به صورت حمل تنها و کمین کردن در راهها و تهاجم علنی بر عابرین و مسافرین برای ربودن و بردن اموال آنها است این اعمال ممکن است باعث سلب امنیت از مردم یا جاده شود و رعب و وحشت ایجاد کند.

برای سرقت اموال عابرین یا مسافرین در بین راهها کمین کرده و بعد از غافلگیر ساختن آنها به طور علنی بر آنان تهاجم کنند. با اسلحه امنیت مردم یا جاده را برهم

زده و رعب و وحشت ایجاد کرده باشند در واقع موضوع اصلی علاوه بر بردن یا حتی نبردن مال، ایجاد حذف و وحشت در افراد جامعه است و در صورت جمع شرایط مذکور، عنصر ماده جرم راهزنی محقق شده و سارق یا سارقین حسب مورد مستحق مجازات حد محاربه یا مجازات تعزیری مشدد و راهزنی خواهند بود.

برخلاف شرایطی که قانونگذار برای تحقق سرقت مسلحانه مبتنی بر تعداد سارقین مطرح کرده تعدد نفرات در راهزنی تأثیری در ماهیت جرم ندارد. بنابراین سارق مسلح راه‌ها ممکن است یک نفر باشد یا بیش‌تر، اگر راهزنی با تعداد افراد باشد و صرفاً این نفر از آنان مسلح به هر نوع سلاح کشنده اعم از سرد یا گرم باشند کفایت بر عنصر مادی جرم می‌کند (میر محمدصادقی، 1392: 362).

عوامل درونی در سرقت‌های توأم با خشونت

وضعیت درونی (روانی) بزهکاران مهم‌ترین موضوع در بررسی‌های جرم‌شناسی است کلیه جرم‌شناسان با هر گرایشی معتقدند انجام هرگونه خلاف و بزهکاری مسلماً منشأ درونی و روانی دارد و برخی از آنان که مطالعه دقیق‌تری در این زمینه داشته‌اند، بروز نابهنجاری‌های رفتاری را مربوط به وجود نوعی اشکال و نقص در سیستم روانی می‌دانند این حالات یا اختلالات روانی در اشکال و طبقه‌بندی‌های مختلفی قرار می‌گیرند.

حالات درونی انسان بحث حساس و پیچیده‌ای است که درک و شناخت کامل آن به صورت علمی بسیار مشکل و تا حدودی غیرممکن است ولی مطالعه نظری آن موجب ارائه نظرات مختلف و متنوعی گردیده است.

احساسات و توانایی ذاتی به صورت خصیصه‌های دوگانه معارض در انسان وجود دارد مانند ترس، شجاعت، صبر و بی‌قراری، بخشش و بخل گذشت و شقاوت. این احساسات با کمک نیروی عقل و تفکر در کنترل انسان قرار دارد. انسان‌های عادی با استعانت از خصلت‌های ذاتی، رفتاری طبیعی و منظم دارند ولی افرادی که از نظر شعور و نیروی تفکر دچار نقصان هستند قادر به کنترل رفتار خود نبوده و انجام هرگونه عملی از سوی آن‌ها متصور است.

نمونه‌هایی از عوامل عمده روانی که عموم جرم‌شناسان و روانشناسان جنایی در ایجاد جرم و خلاف مؤثری می‌دانند عبارتند از:

شخصیت: روانشناسان مجموعه حالات روانی شخص را که رفتار وی را هدایت می‌کند شخصیت وی معرفی می‌کنند به عقیده روان‌شناسان مجموع خصلت‌های روانی انسان، شخصیت و منش وی را تشکیل می‌دهد، تعاریفی که در روانشناسی از شخصیت ارائه شده از نظر مفهومی به هم نزدیک است. و تنها برخی از علمای اجتماعی بین شخصیت و منش تفاوت قایل شده‌اند.

بنابراین شخصیت مجموعه ویژگی‌های درونی انسان است که در رفتار، عکس‌العمل‌ها و کنش‌های وی اثر می‌گذارد. مواردی که ساختار شخصیت را تشکیل می‌دهد حاصل وضعیت جسمی و روانی فرد است که به صورت ذاتی یا اکتسابی وجود دارد. شخصیت هرکس در تشکیل و تحریک احساسات و رفتار، اعمال و تفکر او نقش بالایی دارد بنابراین انسان‌ها در مقابل پیش آمدهای یکسان واکنش‌های مختلفی متناسب، با شخصیت و منش خود ارائه می‌دهند. این واکنش‌ها چنانچه با احساسات به وی تعقل با شخصیت متزلزل بروز کند که حاصلش اعمال غیر عادی خواهد بود.

وجود شخصیت متزلزل از نظر جرم‌شناسی استعداد و آمادگی برای ارتکاب خلاف تلقی می‌شود البته مفهوم شخصیت در روانشناسی تعریفی کلاسیک و یا مفهومی بنیادی دارد. در جرم‌شناسی نیز به طوری که اشاره شد مفهوم ساده و شناخته شده‌ای دارد که در مورد بزهکاران تزلزل و بی‌ثبات بودن حالت درونی محسوب می‌شود (قربان حسینی، 1392: 260).

از نظر جرم‌شناسی شخصیت بزهکار اصلی‌ترین مطلبی است که می‌تواند چگونگی عوامل و علت‌های بزهکاری را مشخص نماید شناخت شخصیت بزهکار در حین ارتکاب جرم جدای از شخصیت اصلی وی نیست و در واقع در آن هنگام است که شخصیت واقعی خود را نشان می‌دهد (قربان حسینی، 1392: 261).

جنون اخلاقی: ضعف یا شدتی است که در بعضی خصایل یا ویژگی انسان وجود دارد در ارتکاب جرایم مالی، نیاز یا احساس نیاز که در حالت غیرطبیعی به پول‌پرستی و سرانجام جرایم مالی کوچک یا حتی مرتکب جرایم خشونت‌آمیز مثل سرقت خشونت‌آمیز می‌شوند منجر می‌شود جرم‌شناسانی مانند فیلیپ پنیل، ایرون جی. ساراسون و باربارا جی. ساراسون، افرادی که چنین شخصیتی داشته و در حد بالای دارای جنون اخلاقی هستند.

انحراف: مطالعه انحرافات و کج‌روی‌های اجتماعی و به اصطلاح، آسیب‌شناسی اجتماعی: عبارت است از مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمی‌های اجتماعی. در واقع، آسیب‌شناسی اجتماعی مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌ها، ناهنجاری‌ها و آسیب‌هایی نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، طلاق و ... همراه با علل و شیوه‌های پیشگیری و درمان آن‌ها و نیز مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامانی اجتماعی است. عدم پای‌بندی به هنجارهای اجتماعی موجب پیدایش آسیب اجتماعی است از سوی دیگر، اگر رفتاری با انتظارات مشترک اعضای جامعه و یا یک گروه یا سازمان اجتماعی سازگار نباشد و بیشتر افراد آن را ناپسند و یا نادرست قلمداد کنند، کج‌روی اجتماعی تلقی می‌شود. کسانی که دچار انحراف اجتماعی هستند و منحرف محسوب می‌شوند با عنایت به ویژگی‌هایی که دارند به راحتی هنجارهای اجتماعی را زیر پا می‌گذارند و به جرم‌هایی مانند سرقت و در موارد بسیار نابهنجار احتمال دارد مرتکب سرقت همراه با خشونت شوند. این اشخاص این اقدام خود را به راحتی توجیه می‌کنند و حتی آن را برون رفتی از وضعیت موجود خود می‌دانند (کی‌نیا، 1385: 180).

اختلال منشی: نوع خاصی از جنون اخلاقی به شکل ملایم و آرام‌تر است اختلال منش باعث بروز حالت تمایل به انحراف‌های خاص در شخص می‌گردد که اغلب در زندگی واقعی خود به صورت پنهان و گاهی آشکار در آن راه گام می‌گذارد. معمولاً اختلالات منشی شامل چهار گروه رفتار غیر عادی ذیل است (کی‌نیا، 1386: 230)

اختلال روانی: مفهوم اختلال روانی مثل بسیاری از مفاهیم در طب و علوم دیگر فاقد تعریف عملی ثابتی که پوشاننده همه موفقیت‌ها باشد بوده است. قابل قبول‌ترین تعریف اختلال‌های روانی را به صورت زیر توصیف می‌کند؛ هر یک از اختلالات روانی به صورت یک سندرم یا الگوی رفتاری یا روانشناختی مهم بالینی تصور شده است که در یک فرد روی می‌دهد و با ناراحتی (یک علامت دردناک) یا ناتوانی (تخریب در یک یا چند زمینه

مهم عملکرد) یا با افزایش قابل ملاحظه خطر مرگ، درد، ناراحتی و ناتوانی یا فقدان مهم آزادی، همراه است (خلعتبری، خوش زاد و احمدی، 1384: 220).

عوامل بیرونی در سرقت‌های توأم با خشونت

عوامل اجتماعی: اوضاع و احوال محیط اجتماعی که بزهکار در آن زندگی می‌کند مانند چگونگی زیربنای خانوادگی، شغل افکار عمومی، اعتقادات مذهبی، مسکن، تراکم جمعیت، وضع اقتصادی، تولیدات صنعتی و سیاسی، اداری، قضایی، طرز کار پلیس و حتی روش تدوین قوانین مدنی، کیفری در وقوع جرائم خشونت‌آمیز مؤثرند.

عوامل اقتصادی: از قرن‌ها پیش فلاسفه و دانشمندان تأثیر فقر و اختلافات طبقاتی را در وقوع جرائم مورد بحث قرار داده و برای حفظ نظم و امنیت در اجتماع موضوع تعدیل ثروت و بهبود زندگی طبقه زحمتکش و فقیر تأکید کرده‌اند.

فقر احساسات را از بین می‌برد فقر حس کینه‌توزی، انتقام‌جویی و بدبینی را تشدید می‌کند، همچنین کثرت ثروت نیز مبانی اخلاقی را سست می‌کند و سبب تنبلی، بی‌قیدی، غرور و بی‌اعتنای نسبت به دیگران می‌شود و کشور را به سوی فنا و نابودی می‌کشاند (نجفی ابرنآبادی، 1389).

تأثیر مسائل و مشکلات اقتصادی در بزهکاری جهان به صورت مستقیم و غیرمستقیم قابل مشاهده است ضعف اقتصادی، در شکل کلی و عمومی موجب ضعف‌هایی در سطح جامعه می‌گردد و امور کلی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. امور بهداشتی، فرهنگی و رفاهی و غیره به صورت کامل ارائه نشده و سرویس‌دهی ناقص و زندگی معمولی مشکل خواهد بود. در مطالعه انجام یافته همبستگی و ارتباط بین محدودیت‌های مالی نیاز، کمبود، فقر مالی، به طور کلی مشکلات اقتصادی با جرم سرقت مشهود و قابل لمس بود. به طوری که طی پژوهشات به عمل آمده از سوی محکومین، مشخص گردید که عوامل اقتصادی (وضع مالی پایین) بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است. در عوامل اقتصادی، نیاز و فقر بیشتر ملموس است که در زیر توضیح لازم داده می‌شود.

عوامل جغرافیایی و محیطی

عوامل جغرافیایی: دوگریف جرم‌شناس بلژیکی، گری (1802-1866) متخصص آمار، بقراط دانشمند یونانی، منتسکیو (1689-1755) دانشمند فرانسوی، کتله (874-1796) متخصص آمار بلژیکی، فری دانشمند ایتالیایی و... تأثیر عوامل جغرافیایی را در ارتکاب جرایم خاص و خشن تأیید نموده‌اند و معتقدند که وضع اجتماعی و اقتصادی تا حدود زیادی تابع مقتضیات و شرایط جغرافیایی است در تابستان که روزها طولانی و اشخاص ساعات بیشتری را در خارج از منزل می‌گذرانند و برخوردهای اجتماعی زیادتر است جرائم بر علیه اشخاص (قتل، ضرب و جرح) بیش از سایر فصول می‌باشد در حالی که در زمستان که شبها دراز است مجرمین با استفاده از این فرصت، بیشتر مرتکب سرقت می‌شوند (قربان حسینی، 1392: 216).

مسکن: مسکن در عوامل جغرافیایی، اگر با ناسازگاری فرد باشد نقش مهمی در ارتکاب سرقت خشونت‌آمیز ایفاء می‌نماید مثلاً اگر در محله‌ای، سارقین سابقه‌دار حرفه‌ای باشد احتمال سوق دادن وی به سرقت خشونت‌آمیز باشد. فضای نامناسب زندگی مثل آلونک‌نشینی، زاغه‌نشینی، چادرنشینی، حاشیه‌نشینی و... در ایجاد حالات عصبی و تشنج در محیط خانواده و اختلال در روان و گرایش پرخاشگری و ارتکاب جرایم خشونت‌آمیز و خطرناک همچون قتل و سرقت‌های مسلحانه همراه با جنایت (خشن) مؤثر است مرتکب می‌گردد (نجفی توانا، 1384: 222).

عوامل خانوادگی: خانواده در اثر کم‌کاری در وظایف خود، نقش مهمی در ارتکاب جرم از سوی اعضا ایفاء می‌نماید به طوری که به این عوامل دیگری مانند، اقتصادی، فرهنگی و... هم اضافه شود درصد احتمال جرائمی مانند جرم سرقت خشونت‌آمیز بیشتر است.

یکی از نتایج توسعه اقتصادی، اختلال در امر خانواده و روابط خانوادگی است که شکاف‌های فراوانی در روابط خانوادگی به وجود آورده و اساس خانواده منزلزل شده است. آنچه را که از مجموع مطالعات بدست آمده و می‌تواند با صراحت اظهار نمود آن است که دو خطر عمده خانواده را تهدید می‌کند این دو خطر عبارتند از: «تنهایی» و «سکوت» اگر خانواده و روابط خانوادگی در مقابل خطراتی که آنها را تهدید می‌کند مغلوب شوند، جوانان بیش از پیش در مقابل خطراتی که آنها را تهدید می‌کند مغلوب

شوند. بیش از نیمی به جوانان جرائم خشونت‌آمیز روی خواهند آورد «تنهایی» و «سکوت» دارای آن چنان اهمیتی هستند که لازم است درباره آنان کمی بحث شود.

تنهایی و عزلت در کانون خانوادگی: حوادث زندگی مدرن به نحوی است که رابطه اعضاء کانون خانوادگی روزبه‌روز کمتر می‌شود کانون گرم خانواده رو به سردی است پدران و مادران به علت کار زیاد حمل و نقل مشکل و طولانی اغلب در منزل نیستند.

از سوی دیگر نیز در جامعه مؤسساتی از قبیل مدرسه، استادیوم‌های ورزشی، کانون‌های جوانان و ... تأسیس شده که جوانان و نوجوانان را بیشتر به این مکان‌ها جلب می‌نمایند. به عوامل یاد شده، بایستی کوچکی خانه و محل زندگی را نیز اضافه نمود. کوچکی محل زندگی و سروصدای زیاد موجب فرار کودکان و جوانان از کانون خانوادگی می‌شود کودکانی که در خانه فضایی برای بازی و فعالیت بدست نمی‌آورند ناگزیر به کوچه و خیابان پناه می‌برند والدین نیز که به علت کار زیاد و خستگی آرزوی استراحت و آرامش دادند فرار و خروج کودکان را تسریع می‌نمایند.

خاموشی و سکوت در کانون خانوادگی: دنیای بلوغ و جوانی، دنیایی است پر از هیجان و متحرک، مملو از شک و تردید نسبت به مسائل امروز و فردای نامعلوم، لازم طبع جوان جستجو و تکاپوی واقعیت امور است. او با وجود جوانی و سرکشی، خواهان اطلاع از حقایق امور است به همین علت در همان حال که درصدد نشان دادن شخصیت خویش است، همواره نیز از رفتار و کردار والدین که به نظر وی نمونه کمال‌اند، تقلید نموده و آنان را «نمونه و سرمشق» زندگی خود قرار می‌دهد این عمل که دانشمندان و روان‌شناسان آن را پدیده «تشبیه شخصیت کودک» نامیده‌اند در تحول و تکامل شخصیت کودک نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند (امینی خانه برق، 1388: 76).

عوامل فرهنگی: جامعه‌شناسان فرهنگ و قومیت اثر عقاید و رسوم اجتماعی را در شکل‌گیری شخصیت حائز اهمیت می‌شمرند و تفکیک شخصیت را که موبد وحدت وجود فرد است از محیط امکان‌پذیر نمی‌دانند.

وقوع جرم از مرحله شروع تا اجرای عمل به وضعیتی وابسته است که شخصیت فرد را شکل می‌دهد. فرهنگ‌ها و قومیت‌ها محیط تربیتی را سازماندهی می‌کند و انسان‌های

خاص خود را در بسته خویش پرورش می‌دهد و طبق آداب و سنن و عرف‌های پذیرفته شده رشد جسمی و روانی را در افراد پدید می‌آورند (فرخ، 1388: 150).

در مناطقی که تحصیل سلاح به سهولت و ارزانی قابل دستیابی باشد و استفاده از سلاح به عنوان بخشی از فرهنگ پذیرفته شده و با دید ارزشی به آن نگرسته می‌شود و استحکام شادی و سرور در اعیاد، عروسی‌ها، جشن‌ها و حتی اجرای مراسم سوگواری با تیراندازی و رقص با سلاح تحقق می‌یابد و یا درگیری‌های قومی و عشیره‌ای، سلاح به عنوان سمبل مبارزه شمرده می‌شود و همچنین پایداری از حریم و حیثیت خانوادگی در گرو حفظ سلاح است و بالاخره در قداست و ارزش سلاح سرودها و شعرها خوانده می‌شود، تبعاً داشتن سلاح برای این مردم جزء فرهنگ بوده و از افتخارات به حساب می‌آید.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نظر ماهیت کاربردی می باشد و با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی از نوع پیمایشی، میدانی و مصاحبه که تعداد نمونه انتخابی آن 85 نفر از مجرمین زندان رجایی شهر تهران با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این بررسی پرسشنامه بوده و روایی آن توسط کارشناسان و محققین تأیید و پایای آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ 0/77 می‌باشد. پس از جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه و با استفاده از نرم افزارهای (excel spss)، به تجزیه و تحلیل پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش

از داده‌های جمع‌آوری شده برای معنی‌دار کردن آنها بمنظور تحقق اهداف پژوهش‌ها و تحقیقات کمک گرفته می‌شود. تجزیه و تحلیل اطلاعات بعنوان بخشی از فرآیند تحقیق یکی از پایه‌های اصلی هر پژوهش به شمار می‌رود که بوسیله آن کلیه فعالیت‌های تحقیقی تا رسیدن به یک نتیجه، کنترل و هدایت می‌شوند. به عبارتی در این بخش، برای پاسخگویی به مسأله تدوین شده و یا تصمیم‌گیری در مورد رد یا تأیید فرضیه یا فرضیاتی که برای تحقیق در نظر گرفته است از روش‌های مختلف تجزیه و تحلیل استفاده می‌کند. لذا ذکر این نکته ضروری است که تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده به تنهایی برای یافتن پاسخ پرسش‌های پژوهش کافی نیست، تعبیر و تفسیر این

داده‌ها نیز لازم است. ابتدا باید داده‌ها را تجزیه و تحلیل نمود و سپس نتایج این تجزیه و تحلیل را مورد تعبیر و تفسیر قرار داد.

در ارتکاب جرم توأم با خشونت بین مقاومت قربانی یا مالباخته، ترس حاکم و وضع مالی پایین و نیز فرار از صحنه بدلیل حضور اشخاص دیگر و کینه‌توزی، پرخاشگری انتقام‌جویی و ارتباط با اعضای خانواده و وضعیت جسمی ارتباط معناداری با عوامل درونی و رابطه نزدیکی داشته است همانطور در عامل اقتصادی (وضعیت محل زندگی وضعیت منزل مسکونی وضعیت مالی اقتصادی) و در عامل فرهنگی (وضعیت تحصیل خود و پدر و مادر، خانواده، تعداد، ساکنان منطقه وضعیت تحصیلات ساکنان منطقه) به عنوان عوامل بیرونی و ارتکاب جرم ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول 1- آزمون ارتباط عوامل درونی و بیرونی شخصیت با ارتکاب جرم

بین عوامل درونی و ارتکاب جرم ارتباط معناداری وجود دارد	
کینه‌توزی	سطح معنی‌داری آزمون کمتر از 0/05 می‌باشد میانگین بدست آمده (1/83) کمتر از 3 می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که پاسخگویان در حد کم کینه‌توز می‌باشند.
پرخاشگری	سطح معنی‌داری آزمون کمتر از 0/05 می‌باشد میانگین بدست آمده (2/3) کمتر از 3 می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که پاسخگویان کمتر از حد متوسط پرخاشگر می‌باشند.
خشونت	سطح معنی‌داری آزمون کمتر از 0/05 می‌باشد میانگین بدست آمده (2/12) کمتر از 3 می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که پاسخگویان کمتر از حد متوسط خشونت دارند.
انتقام‌جویی	سطح معنی‌داری آزمون کمتر از 0/05 می‌باشد میانگین بدست آمده (2/22) کمتر از 3 می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که پاسخگویان کمتر از حد متوسط انتقام‌جویی دارند.
ارتباط با اعضای خانواده وضعیت جسمی ارتکاب جرم توأم با خشونت	سطح معنی‌داری آزمون فوق در سه حالت کمتر از 0/05 می‌باشد که در نتیجه فرض یکنواختی پاسخ‌ها رد می‌شود. در مورد ارتباط با اعضای خانواده بیشتر پاسخها مربوط به روابط گرم می‌باشد. در مورد وضعیت جسمی بیشتر پاسخها مربوط به سالم بودن می‌باشد. در مورد ارتکاب جرم توأم با خشونت بیشترین دلیل بخاطر رسیدن به نتیجه و وضع مالی پایین می‌باشد ترس حاکم و مقاومت قربانی در رده‌های بعدی قرار دارد.
بین عوامل بیرونی و ارتکاب جرم ارتباط معناداری وجود دارد	
عامل اقتصادی	سطح معنی‌داری آزمون کای دو در چهار حالت کمتر از 0/05 می‌باشد که در نتیجه فرض یکنواختی پاسخ‌ها رد می‌شود.
1- وضعیت محل زندگی	در مورد وضعیت محل زندگی فقط 5 مشاهده مرفه‌نشین بودند در حالیکه 46 مورد معمولی و 28 مورد فقیرنشین هستند. بطور کلی سکونت آنها معمولی و فقیرنشین می‌باشند.
2- وضعیت منزل مسکونی	در مورد وضعیت منزل مسکونی فقط 36 نفر دارای منزل شخصی هستند و 37 مورد نیز رهن و اجاره می‌باشد. بقیه موارد خانه پدری یا دیگر شرایط می‌باشد.

3- وضعیت مالی - اقتصادی	در مورد وضعیت مالی - اقتصادی بیشتر موارد ضعیف می‌باشند (31 مورد) 21 مورد خیلی ضعیف و 25 مورد متوسط هستند و تنها 3 مورد خوب می‌باشند بنابراین وضعیت مالی نامناسب می‌باشد.
عامل فرهنگی	سطح معنی‌داری آزمون فوق در سه حالت کمتر از 0/05 می‌باشد که در نتیجه فرض یکنواختی پاسخ‌ها رد می‌شود.
1- وضعیت تحصیل	در مورد وضعیت تحصیل پاسخگو 41 نفر راهنمایی و سیکل، 19 نفر دبیرستان، 13 نفر ابتدایی 3 نفر بی‌سواد و 4 نفر تحصیلات دانشگاهی دارند.
2- وضعیت تحصیل پدر	در مورد وضعیت تحصیل پدر پاسخگو 14 نفر راهنمایی و سیکل، 6 نفر دبیرستان، 26 نفر ابتدایی 31 نفر بی‌سواد و 4 نفر تحصیلات دانشگاهی دارند.
3- وضعیت تحصیل مادر	در مورد وضعیت تحصیل مادر پاسخگو 10 نفر راهنمایی و سیکل، 9 نفر دبیرستان، 21 نفر ابتدایی 38 نفر بی‌سواد و 1 نفر تحصیلات دانشگاهی دارند.
خانواده	سطح معنی‌داری آزمون فوق کمتر از 0/05 می‌باشد که در نتیجه فرض یکنواختی پاسخ‌ها رد می‌شود.
تعداد اعضای خانواده	در مورد تعداد نفرات خانواده بیشتر آنها بیشتر از 6 نفر می‌باشند و اینکه با توجه به سطح پایین تحصیلات والدین که در سطح پایین قرار دارند به این نتیجه می‌رسیم که وضعیت خانوادگی نامناسب می‌باشد.
ساکنان منطقه	سطح معنی‌داری آزمون فوق در دو حالت کمتر از 0/05 می‌باشد که در نتیجه فرض یکنواختی پاسخ‌ها رد می‌شود.
سکونت	وضعیت تحصیلات ساکنان منطقه تحصیلات بیشتر ساکنان منطقه در سطح متوسط و پایین قرار دارند.
منطقه با یکدیگر	نحوه برخورد مؤدبانه ساکنان نحوه برخورد مؤدبانه آنها نیز با یکدیگر نیز در حد متوسط می‌باشد.

جدول 2- ارتکاب جرم توأم با خشونت

باقیمانده	انتظارات	مشاهده	
-3/3	13/3	10	مقاومت قربانی یا مالباخته
-1/3	13/3	12	ترس حاکم
6/7	13/3	20	رسیدن به نتیجه
5/7	13/3	19	وضع مالی پایین
-8/3	13/3	5	فرار از صحنه بدلیل حضور اشخاص دیگر
0/7	13/3	14	همه عوامل
		80	مجموع

جرم خشونت‌آمیز جنبه‌های مختلفی دارد با وجود این به نظر می‌رسد پدیده سرقت خشونت‌آمیز در ایران، با تمام آسیب‌هایی که به امنیت، اقتصاد، و روان جامعه و نیز

وضعیت مالی افراد مال باخته وارد می‌سازد تاکنون جزء از لحاظ حقوقی، از دیدگاه هیچکدام از علوم یاد شده به ویژه علوم اجتماعی به عنوان یک مسئله یا مشکل چه در سطح فردی و یا اجتماعی مطرح نشده است و یا بهای کمی داده شده است.

علل و عواملی که در سرقت‌های خشونت‌آمیز دخیل بوده است از دو حالت خارج نیست یا علل درونی (خشونت، پرخاشگری، کینه) و یا علل بیرونی (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی) می‌باشد.

اینکه عامل اقتصادی و فرهنگی بیشترین ارتباط را با جرم سرقت خشونت‌آمیز دارد و عوامل خانوادگی و اجتماعی در رده بعدی قرار دارند که در مجموع عامل بیرونی با ارتکاب جرم ارتباط معناداری دارد.

عوامل درونی شامل کینه، انتقام، پرخاشگری و خشونت با ارتکاب جرم ارتباط معناداری نداشتند.

بنابراین با طرح سوالات، که چه عواملی در ارتکاب سرقت توأم با خشونت دخالت داشته و درصد کدامیک بیشتر است با تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه تکمیلی از سوی مجرمین و محکومین عوامل مختلفی (درونی و بیرونی) در ارتکاب سرقت‌های توأم با خشونت دخیل بوده، معین گردید که عوامل بیرونی مانند اقتصادی، فرهنگی بیشترین تأثیر و عوامل درونی مانند خشونت، کینه‌توزی، پرخاشگری کمترین تأثیر را داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

بزهکاری به هر شکل و نوعی که اتفاق بیفتد دارای منشاء پیچیده عوامل درونی و بیرونی است. اوضاع و احوال محیط اجتماعی که سارق در آن زندگی می‌کند مانند تراکم جمعیت، افکار عمومی، اعتقادات مذهبی، چگونگی زیربنای خانوادگی، اختلافات طبقاتی، وضع اقتصادی نامناسب، سیاسی، اداری، جغرافیایی و محیطی در دسترسی به منابع جرم‌زایی، و عوامل اجتماعی دیگر در سرقت‌های توأم با خشونت تأثیر بسزایی دارند. جستجوی علل پدیده‌های علمی، اجتماعی، سیاسی، طبیعی و غیره کوشش برای آگاهی از چگونگی وقوع پدیده‌ها، تلاش برای چاره‌جویی و اجتناب از پدیده‌های نامساعد

و تشدید امور مطلوب از تازگی‌های عصر نوین برای جلوگیری از ارتکاب سرقت توأم با خشونت است از همین رو است در جامعه رفع هرگونه نابسامانی یا مشکل در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، که نیازمند بررسی کارشناسانه با هدف بررسی علل پدیده‌های از جمله سرقت‌های توأم با خشونت می‌باشد.

به طور کلی، سرقت بر دو نوع انجام می‌باشد 1- سرقت ساده که سارق بدون توسل به زور و خشونت یک شی را می‌رباید 2- سرقت با توسل به زور و خشونت (فیزیکی یا جسمی و روحی یا روانی) اتفاق می‌افتد که در این حالت سرقت توأم با خشونت اطلاق می‌گردد. در سرقت توأم با خشونت، رفع نیازهای فردی و جمعی به هر شیوه ممکن حتی از طریق تجاوز به اموال غیر، صورت می‌گیرد. در کنار سایر عوامل روانی، عوامل دیگر مانند اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی، برای شناخت عمیق‌تر این پدیده و پیامدهای فردی و مخرب اجتماعی آن اهمیت زیادی دارد. تحقیقات صورت گرفته در جرم سرقت خشونت‌آمیز نسبت به جرایم خشن متفاوت بوده و از زوایای مختلفی قابل بررسی است و به نظر می‌رسد پدیده سرقت خشونت‌آمیز در ایران، با تمام آسیب‌هایی که به امنیت، اقتصاد، و روان جامعه و نیز نظام مالی افراد به مال باخته وارد می‌سازد اینکه عامل اقتصادی و فرهنگی بیشترین ارتباط را با جرم سرقت خشونت‌آمیز دارد و عوامل خانوادگی و اجتماعی در رده بعدی قرار دارند که در مجموع عامل بیرونی با ارتکاب جرم ارتباط معناداری دارد بنابراین با طرح سوالات، که چه عواملی در ارتکاب سرقت توأم با خشونت دخالت داشته و درصد کدامیک بیشتر است با تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه تکمیلی از سوی مجرمین و محکومین که به روش کرونباخ صورت گرفته مشخص شد که، عوامل مختلفی (درونی و بیرونی) در ارتکاب سرقت‌های توأم با خشونت دخیل بوده، عوامل درونی مانند خشونت، کینه توزی، پرخاشگری عوامل بیرونی مانند فقر اقتصادی، فرهنگی بیشترین تأثیر را داشته است.

پیشنهادها

– یافته‌های تحقیق در باب عوامل بیرونی سرقت‌های توأم با خشونت، بیشتر به فقر اقتصادی و عوامل اقتصادی تأکید دارد که پیشنهاد می‌گردد که کمیته ویژه از سوی دستگاه‌های متولی امر مبنی بر ریشه‌یابی علل و عوامل سرقت‌های توأم با خشونت

با توجه به زمان و مکان و راهکار و پیشگیری از آن در جهت کاهش این گونه جرائم از منظر جرم‌شناسی تشکیل گردد و نیز اشتغال‌زایی صحیح و کارآمد در جهت کاهش فقر اقتصادی و جلوگیری از وقوع جرایم صورت گیرد.

- یافته‌های تحقیق نشان داد که رایحه سیاست‌های غیرکیفری و جرم‌شناسانه در راستای مبارزه با سرقت‌های توأم با خشونت جهت جلوگیری از جرایم صورت پذیرد چون سیاست‌های کیفری جوابگوی جرایم خشن نیستند.
- با توجه به عوامل اجتماعی و جغرافیایی در بُعد عوامل بیرونی و جلوگیری از بروز خشونت، کینه و پرخاشگری پیشنهاد می‌گردد افزایش فضای مناسب مراکز تفریحی و اوقات فراغت خانواده‌ها در کلان‌شهرها و آموزش شهروندان در رویارویی با این نوع جرایم انجام پذیرد.
- عوامل خانوادگی و فرهنگی یکی دیگر از جمله عوامل سرقت‌های توأم با خشونت است که پیشنهاد ارائه و ایجاد مراکز مشاوره و بستر مناسب برای کانون گرم خانواده‌ها برای جلوگیری از بروز زمینه ارتکاب جرم توسط فرزندان آنان در آینده انجام شود.

منابع

- امینی خانه برق، صابر (1388). مطالعه حقوقی و جرم‌شناختی سرقت‌های توأم با خشونت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران مرکز.
- ایرون جی. ساراسون و باربارا آر. ساراسون (1383). روان‌شناسی مرضی. مترجمان بهمن نجاریان، محمدعلی اصغری و محسن دهقانی، تهران: نشر رشد.
- بیرو، آلن (1380). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ چهارم.
- پرفیت، آلن (1378). پاسخ‌های به خشونت. مترجم مرتضی محسنی، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ اول.
- تاج زمان، دانش (1384). مجرم کیست، جرم‌شناسی چیست. تهران: انتشارات کیهان، چاپ دهم.
- جعفری، محمد تقی (1390). تفسیر و ترجمه نهج البلاغه. تهران: نشر فرهنگ اسلامی جلد اول.
- جندی، عبدالملک (2012). موضعه الجنایه. جلد 2، چاپ هشتم.
- حبیبزاده، محمد جعفر (1395). سرقت در حقوق کیفری ایران. تهران: نشر دادگستر، چاپ سوم.
- خلعتبری، عبدالحسین؛ خوش‌زاد، سیدرضا و احمدی، احمدرضا (1384). سرقت مسلحانه و به عنف با رویکرد پلیسی کارآگاهی از دیدگاه جرم‌شناسی و حقوقی. تهران: انتشارات کتابسرای تندیس، چاپ اول.
- سوری، احمد (1395). روانشناسی جرم و شخصیت‌شناسی مجرم. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین، چاپ اول.
- عظیم‌زاده، شادی (1384). حمایت کیفری زنان در برابر خشونت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.
- فرخ، جهانگیر (1388). روانشناسی مرضی و نشانه‌شناسی بیماری‌های روانی. مشهد: انتشارات مشهد، چاپ دوم.
- فرهنگ فشرده تک جلدی فارسی معین (1392). چاپ چهارم.
- قربان حسینی، علی اصغر (1392). جرم‌شناسی و جرم‌یابی سرقت. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ چهارم.
- کی‌نیا، مهدی (1386). جرم‌شناسی (جامعه‌شناسی جنایی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد دوم.
- کی‌نیا، مهدی (1385). مبانی جرم‌شناسی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ هشتم، جلد 1.

- گلدوزیان، ایرج (1395). قانون مجازات اسلامی، تهران: انتشارات مجد، چاپ پنجم.
- گلدوزیان، ایرج (1395). حقوق جزای اختصاصی. تهران: انتشارات میزان.
- مجله قضائی و حقوقی دادگستری (1378 بهار)، شماره 26.
- میرمحمد صادقی، حسین (1392). حقوق جزای اختصاصی 2 (جرائم علیه اموال و مالکیت). تهران: نشر میزان، چاپ سی و پنجم، جلد 2.
- نجفی توانا، علی (1384). جرم‌شناسی. تهران: آموزش و سنجش، چاپ سوم.
- نظرات مشورتی مجموعه عبده، شماره 545.
- نظرات مشورتی مجموعه متین، شماره 578.

